



در محاسبات سیاسی از خدا غافل نشوید

فرار کنند و از آنجا بروند. معجزه پروردگار ثابت کرد که این انقلاب، انقلاب اسلامی است؛ یعنی انقلابی الهی. خداوند پشتیبان این انقلاب است و امداد می‌کند. در آخرین نقطه، انقلاب به هر بن‌بستی که برسد، قدرت خداوند به سراغ انقلاب می‌آید و آن را پیروز می‌کند.

به‌شن‌ها امر کرد و طوفانی آمد که ماسه‌ها را بلند کرد و این طوفان، هلیکوپترها را که سبک‌تر بودند، از زمین بلند می‌کرد و بر سر هواپیماها می‌کوبید و منفجر می‌شدند. در اولین مرحله‌ای که افراد به آنجا رسیدند، با اجساد سوخته مواجه شدند. تنها یک وسیله برای آن‌ها باقی مانده بود تا بتوانند

امام بزرگوار ما فرمودند: «نهضت الهی ما حساب حسابگران را باطل کرد و باز نمی‌فهمند.» آن‌ها با محاسبات خود فکر می‌کردند که موفق خواهند شد، اما عنایات خداوند نقشه‌های آن‌ها را باطل کرد. این طرف ما هیچ چیزی نداشتیم. هیچ مدافعی هم نبود. فقط خدا بود. خداوند

سه مخاطره شرطی کردن اقتصاد به مذاکرات

اینکه زندگی خودمان را شرطی‌سازی با مذاکرات کنیم؛ این شرطی‌سازی کشور به مذاکرات نادیده گرفتن خداست. شرطی‌سازی کشور و اقتصاد به مذاکرات، مخاطراتی دارد...

خیانت بنی‌صدر در جریان عملیات طبسی

آن‌ها تمام مقدمات را از نظر امکانات نظامی، وسایل رفت‌وآمد و ارتباطات جاسوسی فراهم کرده بودند. حتی رئیس‌جمهور وقت، بنی‌صدر ملعون، در جریان این قضیه بود...

ثمرات اشتغال بنده به خداوند

وجود مقدس پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند، خداوند فرمود: اگر بنده من به اشتغال به من روی آورد و مشغول به یاد من گردد، من نیز طلب و آرمان و لذت او را در ذکر خودم قرار می‌دهم...

کما شرفتنا بهذا التشريف و فضلنا بهذه الفضيلة و خصصتنا بهذه النعمة فصل على مولانا و سيدنا صاحب الزمان و اجعلنا من أنصاره و أعوانه و الذابین عنه و المستشهدین بین یدیه طائعين غير مكرهين فى الصف الذى نعت أهله فى كتابك كأنهم بنیان مرصوص على طاعتك و طاعة رسولك و آله عليهم السلام. اللهم هذه بيعة له فى اعناقنا الى يوم القيامة.

عباد الله، اوصيكم و اوصى نفسى بتقوى الله. همه شما برادران و خواهران و خودم را به تقوى الهى سفارش مى كنم.

أن محمداً رحمة للوراء و أكمل الكملاء و أفضل السفراء و خاتم الأنبياء و أشهد أن أمير المؤمنين على ابن أبى طالب و أولاده المعصومين هم المحجة البيضاء و منقذ البشر من الضلالة و العمى.

اللهم بلغ مولانا صاحب الزمان صلوات الله عليه عن جميع المؤمنين و المؤمنات فى مشارق الارض و مغاربها سهلها و جبلها و برها و بحرها حيهم و ميتهم و عنا و عن الديننا من الصلوات و التحيات زنة عرش الله و مداد كلماته و منتهى رضاه و عدد ما أحصاه كتابه و أحاط به علمه.

اللهم إنا نجدد له فى هذا اليوم و فى كل يوم عهداً و عقداً و بيعة له فى رقابنا. اللهم



خطبة اول:

الحمد لله المتفرد بالكبرياء و أشهد أنه المتوحد بتدبير الارض و السماء و أشهد



فراموش کردن خداوند و تمایل دل به سوى غير او.

مرحوم طریحی در «مجمع البحرين» سهو را به معنای غفلت و ناآگاهی تعریف کرده است، در حالی که صاحب «المنجد» آن را به معنی فراموش کردن و تمایل قلب به غیر خداوند می داند.

اگر سهو به «عن» تعلق بگیرد، به این معناست که انسان پس از شناخت خدا دچار غفلت می شود. اما اگر به «فی» تعلق یابد، نشان دهنده غفلت بدون شناخت قبلی از خداست.

امام امیرالمؤمنین (ع) در مناجات شعبانیه چنین عرضه می دارد: «فَقَدْ

ثمرات اشتغال بنده به خداوند

می فرمایند، خداوند فرمود: اگر بنده من به اشتغال به من روی آورد و مشغول به یاد من گردد، من نیز طلب و آرمان و لذت او را در ذکر خودم قرار می دهم. وقتی که بنده، آرمان و لذتش در ذکر و یاد خدا باشد، عاشق خدا می شود و خدا نیز عاشق او می شود. در چنین حالتی، خداوند می فرماید: «رَفَعْتُ الْجَبَابَ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَهُ» یعنی پرده میان خدا و بنده برطرف می شود و بنده همواره خدابین می شود و در عرصه زندگی اش همیشه به یاد خدا خواهد بود.

سپس فرمودند: «لَا يَسْهُو إِذَا سَهَا النَّاسُ» یعنی وقتی مردم دچار غفلت می شوند و خدا را فراموش می کنند، این بنده دچار غفلت نمی شود.

مردم، خدا را فراموش می کنند، اما بنده ای که این گونه در یاد خدا غرق شده است، هرگز خدا را از یاد نمی برد. حال، چگونه مردم دچار این غفلت می شوند؟ سهو از خدا یعنی غفلت از یاد او،

در هفته گذشته، در انتهای سخن، روایتی را عرض کردم که شامل دو نکته مهم بود؛ یکی مربوط به ابتدای حدیث و دیگری مربوط به پایان آن. اما فرصت نشد این دو نکته را در ارتباط با موضوع بحثمان، که مانع عبودیت بالاختر خداوند بود، توضیح دهم. امروز این دو نکته را خدمت شما شرح می دهم.

اصل روایت و حدیثی که قرائت شد، چنین بود:

قال رسول الله ﷺ:

«يقول الله: إِذَا كَانَ الْغَالِبُ عَلَى عَبْدِي الْإِسْتِغَالَ بِي جَعَلْتُ نَعِيمَهُ وَلَذَّتُهُ فِي ذِكْرِي، فَإِذَا جَعَلْتُ نَعِيمَهُ وَلَذَّتُهُ فِي ذِكْرِي عَشِقَنِي وَعَشِقْتُهُ، فَإِذَا عَشِقَنِي وَعَشِقْتُهُ رَفَعْتُ الْجَبَابَ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَهُ، وَصِرْتُ مَعَائِمَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ، لَا يَسْهُو إِذَا سَهَا النَّاسُ»^۱

این روایت در کتاب «کنز العمال» نقل شده است.

وجود مقدس پیامبر اکرم ﷺ

چراکه شیطان برای هر کسی راهی پیدا می‌کند. برای برخی، پول را زینت می‌دهد و آنان را دچار وابستگی به ثروت می‌کند. برای برخی دیگر، مقام و قدرت را زینت می‌دهد، به گونه‌ای که دلشان به این امور دلبسته می‌شود و از خدا غافل می‌گردند.

اما راه نجات از این غفلت چیست؟ چگونه می‌توان از سهو نسبت به خدا جلوگیری کرد؟ پیامبر اکرم (ص) از قول خداوند راه پیشگیری از سهو نسبت به خدا را بیان کرده‌اند:

«إِذَا كَانَ الْغَالِبُ عَلَى عَبْدِي الْإِسْتِغَالَ بِي» یعنی زمانی که غالب وجود بنده، اشتغال به خدا باشد، سهو از خدا رخ نمی‌دهد. در پایان روایت نیز آمده است: «لَا يَسْهُو إِذَا سَهَا النَّاسُ» یعنی در جایی که مردم از خدا غافل می‌شوند، این بنده خاص هرگز دچار غفلت نمی‌شود.

.....

۱. کنز العمال، متقی هندی، ج ۱، ص ۴۳۳.

۲. سوره ص، آیه ۸۲.

رانده شد، چنین تهدید کرد: «فَبِعِزَّتِكَ لَا غَوِيَّ لَهُمْ أَجْمَعِينَ»^۲ به عزت تو قسم که همه فرزندان آدم را گمراه خواهم کرد.

شیطان، از ابتدای خلقت، به دنبال اغوای انسان و دور کردن او از یاد خداوند بوده است. این همان مسیری است که باعث فراموشی و غفلت بشر از حقیقت الهی می‌شود.

شیطان برای انسان حرام و نافرمانی خداوند را زینت می‌دهد. گناه را زیبا جلوه می‌دهد و آن را با لذت، خوشی، منفعت و سود کلان همراه می‌سازد. زمانی که زیبایی گناه چشم انسان را پرکند و منفعت آن دل را وابسته سازد، انسان از خدا غافل می‌شود، خدا را فراموش می‌کند و دلش به سوی غیر خدا متمایل می‌شود.

این سهو از خداست، و بلایی است که همه انسان‌ها با آن مواجه می‌شوند. هیچ‌کس مستثنی نیست. نمی‌توان گفت: «من دچار این بلا نمی‌شوم، شیطان نمی‌تواند مرا فریب دهد.»

أَفَنُتِّتُ عُمرِي فِي شِرَّةِ السَّهْوِ عَنْكَ»
خدایا، من عمرم را در غفلت از تو فانی کردم.

سهو از خدا یعنی اینکه انسان به سوی غیر خدا متمایل شود و دلش از خدا روی گردان گردد. شرّه نیز به نقطه‌های حرص اشاره دارد، جایی که انسان اصرار دارد به یاد خدا نیفتد، بلکه حتی از یاد خدا می‌هراسد.

چنین انسانی تصور می‌کند که یاد خدا مانع لذت و خوشی دنیوی اوست، بنابراین اصرار دارد از یاد خدا دور بماند و زندگی خود را در غفلت سپری کند.

در روایت پیامبر اکرم (ص) آمده است: «لَا يَسْهُو إِذَا سَهَا النَّاسُ» یعنی بنده‌ای که لذت، آرمان و هدفش در یاد خدا قرار گرفته است، حتی زمانی که مردم خدا را فراموش می‌کنند، او هرگز دچار غفلت نمی‌شود. حال، چرا مردم دچار غفلت از خدا می‌شوند؟ چه عواملی سبب می‌شود که انسان از خدا فاصله بگیرد و به غیر او متمایل شود؟

شیطان، هنگامی که از درگاه خداوند

» منظور از اشتغال دل به خداوند



را [مصادق] اشتغال به خدا می‌کند، در واقع دل آدم است. با دل مشغولی به خدا انسان اشتغال به خدا پیدا می‌کند؛ این که دلش به طرف خدا باشد، در دلش همیشه خدا باشد؛ از چه چیزی خدا خوشش می‌آید، از چه چیزی بدش می‌آید، غضب خدا از چیست، خشمش از چیست، چه چیزی می‌خواهم از

خدا مشغول کنید. خواهران جوان، شما که در اول عمرتان هستید و می‌خواهید مسیر زندگی عمرتان را مشخص کنید، حواستان جمع باشد دل مشغولی‌تان خدا باشد. دل مشغولی آدم اگر خدا شد، اشتغال به خدا دارد. عمل انجام می‌دهی، نماز می‌خوانی، از اول تا به آخر نماز همه چیز در ذهن و دلت است، فقط آن چیزی که نیست، خداست. این فایده‌ای ندارد. با [صرف] عمل، آدم اشتغال به خدا پیدا نمی‌کند. آن چیزی که عمل آدم

اما اشتغال به خدا چگونه حاصل می‌شود؟ اشتغال به خدا صرفاً در عمل نیست، بلکه قلب باید به خدا مشغول باشد. نماز، عبادت، ذکر، دعا و اوراد مختلف، همه، راه‌هایی برای ایجاد ارتباط با خدا هستند. اما آنچه مهم‌تر است حضور قلب در این اعمال و مشغول شدن دل به خداوند است.

برادران و خواهران، به ویژه شما جوانان که در ابتدای مسیر زندگی هستید، اگر می‌خواهید از غفلت و سهو نسبت به خدا در امان باشید، دل خود را به یاد

است. دل به خدا متوجه است، مقابل گناه که می‌رسد، لذت چشمش را پُر نمی‌کند. خوشی برایش مطرح نیست. [دغدغه‌اش این است] خدا می‌خواهد یا نه؟ خدا راضی است یا راضی نیست؟ چیزی که خدا نمی‌خواهد، من هم نمی‌خواهم؛ هرچه باشد: پول باشد، منفعت باشد، لذت باشد، قدرت باشد، هرچه می‌خواهد باشد، آن چیزی که خدا نمی‌خواهد، من هم نمی‌خواهم؛ ولو در آن هر چیزی باشد. چون دلم به خدا مشغول است.

اگر آدم دلش مشغول به خدا شد، شیطان که حرام را جلو آدم زینت بدهد، اصلاً آدم آن زیبایی حرام را نمی‌بیند. پسر جوان مؤمنی که در بوران غریزه جنسی و شهوت به سر می‌برد و بحران جوانی، بحران لذت، بحران شهوت، بحران غریزه او را محاصره کرده است، دختر و زن بی‌حجاب زیبا در مقابلش جلوه می‌کند؛ اما گویا در پلک چشم این جوان فنر کار گذاشته‌اند؛ این پلک‌ها به هم می‌آید؛ نگاه نمی‌کند. چرا؟ چون خدا نمی‌خواهد. این دل مشغولی به خدا

خدا، در چه چیزی محتاجم به خدا، در چه چیزی خدا مرا باید کمک کند، دل مشغولی‌ام خداست؛ یعنی هر وقت مشکلی در زندگی‌ام است، فقط دلم متوجه خداست. در بیماری متوجه خدا هستم؛ در درد متوجه خدا هستم؛ در احتیاج متوجه خدا هستم؛ در مشکلات زندگی متوجه خدا هستم؛ در مسائل عمر متوجه خدا هستم؛ در همه زندگی‌ام، همه فکر و مغزم شده خدا. این دل مشغولی خدا و اشتغال به خداست.

«دلبستگی به اهل بیت علیهم السلام» طریقه دل مشغولی به خداوند

پیدا کرده‌ای. راه دل مشغولی به سوی خدا، وابستگی به محبت اهل بیت علیهم السلام است. خوشبختانه خداوند متعال این نعمت را به شما برادران و خواهران داده است. دلیل بر این نعمت این است که اگر در زندگی برای شما مصیبتی پیش آمده باشد، هرچقدر هم دردناک باشد، هرچقدر هم داغ جانسوز باشد، پس از مدتی فراموش می‌شود؛ اما قرن‌ها از مصائب اهل بیت علیهم السلام گذشته است و الان هم وقتی برایتان می‌گویند، یادتان می‌آید، اشک‌هایتان جاری می‌شود، دلتان می‌سوزد. پس دل شما به اهل بیت علیهم السلام وابسته است.

(ادامه خطبه روضه است)

خدایا! به عزت اولیایت، این ولایت‌مداری ما، این اشک‌ها و عشق ما را نسبت به ساحت اهل بیت علیهم السلام خدایا ابزار کامل و قوی دل مشغولی ما به خودت قرار بده؛ خدایا این ناله‌ها و وسیله‌ای برای تقرب به درگاه عبودیتت قرار ده؛

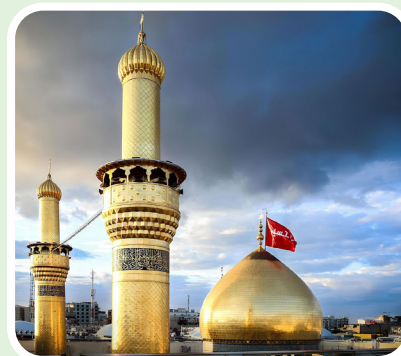
حرم بودیم، چه ذکری بگوییم که این ذکر خوب باشد؟ می‌گوییم:

«یار بی‌پرده از در و دیوار، در تجلی است یا اولی الابصار».

ذکر را برای چه می‌خواهی بگویی؟ این آقا خودش ذکر است. این آقا زنده است. دلت متوجه باشد، رابطات را با او برقرار کن، خودت را به او بسپار. این می‌شود عین دل مشغولی به خدا.

راه دل مشغولی به خدا این نیست که تسبیح به دست بگیري و هزار بار فلان ذکر را بگویی یا صد هزار بار... نه آقا! دل مشغولی به خدا این است که دلت به خدا مشغول باشد؛ حتی اگر یک کلمه ذکر بر زبانت جاری نشود. وقتی دلت به امام رضا علیه السلام مشغول شد، از طریق امام رضایی که متصل به خداست، حجت خدا، مقرب‌ترین موجودات در عرصه هستی به خدا، حتی نزدیک‌تر از فرشته‌ها به خداست، وقتی دلت متوجه او شد، طبیعتاً از طریق دل، تو به خدا متوجه شده‌ای. دل مشغولی پروردگار را

یکی از راه‌های دل مشغولی به خدا، دلبستگی به پیغمبر ﷺ و اهل بیت پیغمبر ﷺ است. برادران و خواهران، دلی که می‌خواهد به چیزی مشغول و عاشق بشود، انسان باید او را لمس کند. خدا که لمس‌کردنی نیست. من با عمق جریان باطنی خودم خدا را حس می‌کنم؛ اما چیزی که برای من ملموس و محسوس است، اولیای خدا هستند. پیغمبر ﷺ، امیرالمؤمنین علی علیه السلام، اهل بیت علیهم السلام. این‌ها مظهر خدایند. یعنی وقتی متوجه امام رضا علیه السلام می‌شوم، متوجه خدا می‌شوم. جوانان می‌آیند و می‌گویند: «آقا! ما اینجا در



خدایا از خیرات و برکات ایام بهاری، سرزمین ولایت‌مدار علی بن موسی الرضا علیه السلام را متنعم و بهره‌مند بگردان.

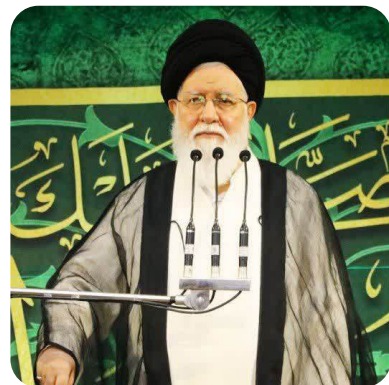
بزرگوارمان را از همه فیوضات این روزها و شب‌های عزاداری ما بهره‌مند بگردان؛ سایه پربرکت مقام معظم رهبری علیه السلام را بر سر ما مستدام بدار؛

خدایا نقطه کمال بندگی ما در پیشگاهت، همان نقطه فرج و ظهور مولایمان بقیه الله علیه السلام تعجیل بفرما؛ ارواح مطهر شهدا و روح مطهر امام

صادقیون دیروز، از میدان شهدا تا حرم، تشکر می‌کنم.
ان شاء الله این اشک‌ها و این بر سروسینه زدن‌ها، منظور نظر مولایمان و باعث تسلی خاطر نازنین حضرت بقیه الله علیه السلام قرار گیرد.

خطبه دوم:

عباد الله اوصیکم و اوصی نفسی بتقوی الله؛
همه شما برادران و خواهران و خودم را به تقوای الهی سفارش می‌کنم.
از احساسات ارزشمند و هیجانات ولایت‌مدارانه شما برادران و خواهران در شرکت در راهپیمایی عزاداری اجتماع



شوند. همه چیز را حساب کرده بودند و همه جوانب را در نظر گرفته بودند.
بعد از این قضیه، به دستور بنی‌صدر، تمام لاشه‌های هواپیماها و هلیکوپترهای سوخته را بمباران کردند تا اسنادی که داخل آن‌ها بود، به دست کسی نیفتد.
عزیزان ما در سپاه پاسداران و کمیته انقلاب اسلامی آن زمان از این موضوع باخبر نشدند، چرا که در میان اسناد، نام تمامی جاسوس‌هایی که با آن‌ها هماهنگ کرده بودند، وجود داشت. آن‌ها می‌ترسیدند که این اسناد به دست کسی بیفتد.

خیانت بنی‌صدر در جریان عملیات طبس

را که به وسیله عزیزان ما، دانش‌آموزان مسلمان پیرو خط امام در جاسوس‌خانه آمریکا گروگان‌گیری شده بودند، نجات دهند.

آن‌ها تمام مقدمات را از نظر امکانات نظامی، وسایل رفت‌وآمد و ارتباطات جاسوسی فراهم کرده بودند. حتی رئیس‌جمهور وقت، بنی‌صدر ملعون، در جریان این قضیه بود، همان‌طور که برخی فرماندهانی نیز با آمریکایی‌ها هماهنگی کرده بودند. حتی در جایی که آمریکایی‌ها در بیابان طبس حضور پیدا کردند، پاسگاه ژاندارمری نزدیک آنجا بود که رئیس آن پاسگاه بهایی بود و با آن‌ها هماهنگی کرده بود. معاون آن پاسگاه که در نهایت گرفتار شد، خود اعتراف کرد که از آنجا خاک برای آمریکا ارسال کرده بود تا آزمایش کنند و از مناسب بودن خاک برای فرود مطمئن

امروز روز پنجم اردیبهشت است، که مصادف با سالروز شکست حمله نظامی آمریکا به طبس در سال ۵۹؛ یعنی درست ۱۵ ماه بعد از پیروزی انقلاب است. آمریکایی‌ها به صحرای طبس حمله نظامی کردند و از آنجا قصد اجرای عملیات برای نجات گروگان‌ها را داشتند. عملیات خودشان را نیز به نام «پنجه عقاب» نام‌گذاری کرده بودند تا از طریق آن گروگان‌های خود را نجات دهند.

علت انتخاب طبس این بود که از آنجا تا ورامین سراسر کویر بود و با ارتفاع کم می‌توانستند حرکت کنند تا رادارها آن‌ها را شناسایی نکنند و در ورامین فرود بیایند. از ورامین قصد داشتند خود را با سرعت به تهران برسانند، در میدان امجدیه مستقر شوند و از آنجا با حمله و کشتار گسترده، گروگان‌های آمریکایی

وقتی در آنجا مستقر شدند و قصد حرکت به سمت ورامین را داشتند، طوفان شن شروع شد. این گونه نبود که پرواز کنند و گرفتار طوفان شوند؛ بلکه هنوز پرواز نکرده بودند که طوفان شن شدیدی شروع شد. این طوفان هلیکوپترها را از زمین بلند کرد و به هواپیماها کوبید. هواپیماها که پر از مهمات بودند، منفجر شدند و این انفجار آن‌ها را خاک و خاکستر کرد.

شده بود. عملیات اجرا و دو سه ماه روی آن کار کرده بودند. همه چیز را درست کرده بودند و کوچک‌ترین تردیدی در اجرای این عملیات وجود نداشت که این‌ها اقدام کردند. اما نمی‌دانستند که خداوند ناظر بر همه چیز است. خودمان هم همین‌طور هستیم و گاهی یادمان می‌رود که خدا هست و همه چیز را فقط از ظاهر می‌بینیم و خدا را نادیده می‌گیریم، دچار اشتباه می‌شویم. [آن‌ها] مخصوصاً در این انقلاب که خدا هست، خدا را نادیده گرفتند. آنها آمدند،

بنی‌صدر از صبح ساعت ۸ تا بعدازظهر آن روز، هفت مرتبه دستور بمباران آنجا را داد تا هیچ چیزی به دست کسی نیفتد. برادر عزیز و بزرگوار مجاهد ما، شهید منتظرالقائم، که ایثارگر عزیزی بود، در این بمباران به شهادت رسید، در حالی که مشغول جمع‌آوری اسناد بود. آن‌ها همه چیز را حساب کرده بودند؛ اما یک چیز را حساب نکردند و آن خدا بود که مافوق همه است. هیچ مانعی برای حرکت آن‌ها وجود نداشت. اصل قضیه در پایگاه نظامی آمریکا در مصر طراحی

» در محاسبات سیاسی از خدا غافل نشوید

در چه موقعیتی است! زمانی که آمریکا به طیس حمله کرد، قدرت، استکبار و سلطه جهانی آمریکا در چه حد بود؟ امروز همان آمریکا منفورترین جریان در دنیا و روی کره زمین شده است. امروز آمریکا به کجا رسیده است؟ واقعاً بی‌عقیده‌ای و بی‌ایمانی برخی افراد، برای ما مصیبت است که با این نشانه‌ها و مسائل، هنوز ایمان آورده نشود. به فرمایش امام: «باز نمی‌فهمند.» باز هم ما نفهمیم و بیاییم هنوز زندگی خودمان را به مذاکرات با آمریکا گره بزنیم و بگوییم: «اگر این مذاکرات به نتیجه رسید، اقتصاد ما تأمین می‌شود؛ اگر مذاکرات شکست بخورد، اقتصاد ما شکست خورده است.» باز هم بازارهای مالی خودمان، ارز، طلا، بورس و همه را به مذاکرات آمریکایی بچسبانیم و بعد بالا و پایین ببریم؟! و رزقی که خداوند می‌خواهد به ما بدهد، نادیده بگیریم. آیا این درست است؟ خداوند این چنین در

انقلاب، انقلاب اسلامی است؛ یعنی انقلابی الهی. خداوند پشتیبان این انقلاب است و امداد می‌کند. در آخرین نقطه، انقلاب به هر بن‌بستی که برسد، قدرت خداوند به سراغ انقلاب می‌آید و آن را پیروز می‌کند. این قضیه باید تضمین‌کننده اعتقاد و باور ما نسبت به خدا باشد. باید خدا را باور کنیم، قدرت خدا و عنایت خدا را درک کنیم. این انقلاب بناست تا جایی پیش برود که زمینه‌ساز فرج و ظهور مولای ما باشد. آن آقای پشت پرده‌نشین، با سرانگشت خود همه چیز را اداره می‌کند و کارها به خوبی پیش می‌رود. از آن روز تا به امروز، حدود چهل و چند سال می‌گذرد. در این مدت، آمریکا همواره فتنه و توطئه کرده است؛ اما در همه فتنه‌ها و توطئه‌ها، مانند همین توطئه و فتنه، شکست خورده و نابود شده است. آن روز آمریکا در چه موقعیتی بود و الان



امام بزرگوار ما فرمودند: «نهضت الهی ما حساب حسابگران را باطل کرد و باز نمی‌فهمند.» آن‌ها با محاسبات خود فکر می‌کردند که موفق خواهند شد؛ اما عنایات خداوند و توجه پروردگار نقشه‌های آن‌ها را باطل کرد. این طرف ما هیچ چیزی نداشتیم. هیچ مدافعی هم نبود. فقط خدا بود. خداوند به شن‌ها امر کرد و طوفانی آمد که ماسه‌ها را بلند کرد و این طوفان، هلیکوپترها را که سبک‌تر بودند، از زمین بلند می‌کرد و بر سر هواپیماها می‌کوبید و منفجر می‌شدند. در اولین مرحله‌ای که افراد به آنجا رسیدند، با اجساد سوخته مواجه شدند. تنها یک وسیله برای آن‌ها باقی مانده بود تا بتوانند فرار کنند و از آنجا بروند. معجزه پروردگار ثابت کرد که این

با همان قدرت، همان توانمندی، همان تعالی فوق‌العاده و کبریایی از آن روز تا امروز همچنان هست. از این خدا در عرصه‌های سیاست و تحلیل‌های خودمان جدا نشویم. خدا را در نظر بگیریم و به او متوسل باشیم.

کشور اسلامی است که همیشه در مذاکرات، تحلیل‌ها، برنامه‌ها، بررسی‌ها و اندیشه‌های سیاسی، روی همه‌چیز فکر کنند؛ اما اینکه خدا هم هست [حساب نکنند]؟! بابا، خدای طبعش تا الان پیر نشده! خدای طوفان شن طبعش از کارافتاده نشده! این خدا تا امروز فقیر و نادار نشده. همان خدا

مقابل چشم ما قدرت‌نمایی کرده است، اما در عین حال، در همه محاسبات و تحلیل‌های اقتصادی و سیاسی‌مان، همه‌چیز را در نظر بگیریم، اما خدا را در نظر نگیریم. روی قدرت خدا نیندیشیم؟ آیا این صحیح است؟ واقعاً ما مؤمن هستیم و این کشور،

سه مخاطره شرطی کردن اقتصاد به مذاکرات



حیوانیت و بی‌وفایی چیزی ندیده‌ایم. آیا درست است که بعد از این همه معجزه خداوند در این انقلاب، باز هم خودمان را به قدرت آمریکا گره بزنیم و آمریکا را به عنوان یک مشکل‌گشا برای خودمان در نظر بگیریم؟ دشمنی که طی ۷۰ سال انواع عداوت‌ها و دشمنی‌ها را تا جایی که توانسته، نسبت به این مردم و این مملکت انجام داده است، آیا می‌توانیم به او امید داشته باشیم؟!

خدایا، به عزت اولیائت، روز عزت اسلام و مسلمین را با امدادهای غیبی خودت در نقطه فرج و ظهور مولایمان، بقیه الله ﷺ، تعجیل بفرما؛

ارواح مطهر شهدا و روح مطهر امام بزرگوار ما را از پایمردی مردم ما در پای ستون خیمه این نظام خوشنود و راضی بگردان.

سایه پربرکت مقام معظم رهبری ﷺ را بر سر ما مستدام بدار.

دشمنان ناپاک ما را در جبهه‌های کفر و نفاق و استکبار، ذلیل و نابود و ریشه‌کن بگردان.

این فشار روانی از دو جهت ایجاد می‌شود. از یک سو، ثبات اقتصادی کشور به هم می‌ریزد. مردم درگیر اضطراب و نگرانی می‌شوند: «مذاکرات جلو رفت؟ مذاکرات عقب رفت؟ کم شد؟ زیاد شد؟ قوی شد؟ ضعیف شد؟» پی‌درپی اضطراب و دغدغه دارند که اقتصاد ما چه می‌شود. از سوی دیگر، دشمن از این مسئله سوء استفاده می‌کند. مسئله مذاکره را بالا و پایین می‌کند تا از کشور امتیاز بگیرد. چون از این طرف می‌بیند مردم زندگی‌شان را به مذاکرات گره زده‌اند. دشمن از جهات مختلف فشار می‌آورد تا امتیاز بیشتری بگیرد.

کارخودتان را بکنید و مملکت را بچرخانید، این مذاکرات هم کاری است که به فرموده مقام معظم رهبری ﷺ دارد انجام می‌گیرد، حالا هرچه می‌خواهد بشود. ما به هر حال به طرف مقابل بدبین هستیم؛ چون ما اکنون ۴۶ سال از عمر انقلاب و ۲۵ سال قبل از انقلاب، نزدیک به ۷۰ سال تجربه داریم. از آمریکا جز بیداد، جز درندگی، جز

اینکه زندگی خودمان را شرطی‌سازی با مذاکرات کنیم؛ این شرطی‌سازی کشور به مذاکرات نادیده گرفتن خداست. شرطی‌سازی کشور و اقتصاد به مذاکرات، مخاطراتی دارد:

۱. نوسانات شدید در بازارهای مالی، بازار ارز، طلا، بورس و سایر مسائل مالی را به هم می‌زند.

اینکه همه‌چیز را مشروط به مذاکرات کنیم ضرر دارد.

۲. کاهش سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی

اگر قرار شد سرنوشت اقتصاد کشور به مذاکرات گره بخورد، سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی حاضر نمی‌شوند سرمایه‌گذاری کنند، می‌گویند صبر کنیم تا ببینیم مذاکرات به کجا می‌انجامد.

۳. فشار روانی بر مردم

مسائل کشور نباید به مذاکرات گره بخورد

یک جمله راجع به این گفتگوهای عمان عرض بکنیم... سعی کنید مسائل کشور را به این گفتگوها گره نزنید؛ این تأکید من است. اشتباهی که در برجام کردیم، اینجا تکرار نشود. آنجا ما همه چیزمان را منوط کردیم به پیشرفت مذاکرات؛ یعنی کشور را شرطی کردیم. خوب سرمایه‌گذار وقتی که کار کشور منوط به مذاکره باشد، سرمایه‌گذاری نمیکند دیگر؛ معلوم است؛ میگوید ببینیم عاقبت مذاکرات به کجا میرسد. این مذاکرات هم یک کاری است یک حرفی است، یکی از کارهای چندین گانه‌ی وزارت خارجه است که دارد انجام میدهد.



دیدار جمعی از مسئولان ارشد سه قوه | ۱۴۰۴/۱/۲۶

سایت مرکز رسیدگی به
امور مساجدمرکز رسیدگی به امور مساجد
استان‌های خراسانسایت
آیت‌الله علم‌الهدی